

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نماز؛ نمازهای مستحب

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: علی

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۲۶

لطفاً احکام نمازهای نافله بعد از نمازهای واجب و نماز غفيله را بیان کنید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۲

به نماز غیر واجب از آن حیث که افزون بر نماز واجب است، «نافله» گفته می‌شود و آن بر دو گونه است: نماز غیر واجبی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آن مراقبت داشته و از این حیث، «سنت» محسوب می‌شود و نماز غیر واجبی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آن مراقبت نداشته و از این حیث، سنت محسوب نمی‌شود، ولی با توجه به عمومات سخن خداوند درباره‌ی افزودن بر کارهای خیر، «مستحب» محسوب می‌شود؛ مانند سخن خداوند که فرموده است: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»؛ «و هر کس کار خیری را داوطلبانه انجام دهد، بی‌گمان خداوند شکرگزاری داناست» و فرموده است: «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ»؛ «و هر کس کار خیری را داوطلبانه انجام دهد، آن برای او بهتر است»، مشروط به اینکه جنبه‌ی تشریع و بدعت پیدا نکند؛ به این معنا که کیفیتی اختراعی نداشته باشد یا به منزله‌ی سنت گرفته نشود؛ چراکه در این صورت مستحب محسوب نمی‌شود؛ مانند نماز تراویح به جماعت در شب‌های ماه رمضان و برخی نمازها میان اهل تشیع و اهل تصوف که با عناوین گوناگون و کیفیتهای غریب بر بنیاد روایات ضعیف یا دستور العمل‌های خودساخته خوانده می‌شود.

اما بهترین نوافل، نوافلی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آن‌ها مراقبت داشته و از این حیث، سنت محسوب می‌شوند؛ زیرا آن حضرت چیزی از خیر را باقی نگذاشته مگر اینکه انجام داده و از این رو، اسوه‌ی حسنه‌ای برای مسلمانان است؛ چنانکه خداوند فرموده است:

۱. البقرة / ۱۵۸

۲. البقرة / ۱۸۴

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾؛

«هرآینه برای شما در رسول خدا اسوهی حسنه‌ای برای کسی است که به خداوند و روز واپسین امید داشته باشد و خداوند را بسیار یاد کند»؛ همچنانکه سفارش‌های فراوانی از اهل بیت و صحابه درباره‌ی مراقبت بر این نوافل رسیده، بلکه مراقبت بر آن‌ها از دیرباز سیره‌ی صالحان بوده و ترک آن‌ها قبیح و نشانه‌ی سستی در دین شمرده شده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«ذُكِرَ عِنْدَ الْمَنْصُورِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَقُلْتُ: إِنَّهُ كَسَلَانٌ، فَقَالَ: مَا هُوَ بِكَسَلَانٍ وَلَكِنَّ الْكَسَلَانَ مَنْ يَتْرُكُ النَّافِلَةَ»؛^۱ «مردی از یارانمان نزد منصور یاد شد، پس گفتم: او تنبل است، پس فرمود: او تنبل نیست، بل تنبل کسی است که نافله را ترک می‌کند!».

از این رو، برای مؤمن شایسته نیست که این نوافل را بدون عذری مانند سفر یا بیماری یا اشتغال به عبادتی مهم‌تر ترک کند؛ همچنانکه شایسته است هرگاه آن‌ها را ترک کرد، قضاءشان را به جای آورد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْمَنْصُورِ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: إِنِّي لِأَجِئُكَ يَا فَلَانٌ! قُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّبَنِي إِلَى وَلِيِّهِ وَلَكِنْ لِمَاذَا؟! قَالَ: لِأَنَّكَ تَقْضِي مَا فَاتَكَ مِنَ النَّوَافِلِ وَلَا يَقْضِيهِ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»؛^۲ «نزد منصور نشسته بودم، پس به من روی نمود و فرمود: هرآینه من تو را دوست می‌دارم ای فلانی! گفتم: ستایش خداوند را که من را نزد ولیّش محبوب کرد، ولی برای چه؟! فرمود: برای اینکه تو نوافلی که از تو فوت می‌شود را قضا می‌کنی و آن‌ها را قضا نمی‌کند مگر صاحب بهره‌ای بزرگ».

اما بی‌گمان مهم‌ترین این نوافل، نافله‌ی شب است که روشنی چشم شب‌زنده‌داران است و درباره‌ی تعداد رکعات آن روایات متواتر و هماهنگی رسیده است.^۳ علاوه بر آن، روایات متواتر و هماهنگی در دست است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از فریضه‌ی صبح، دو رکعت نافله به جای می‌آورده و غالباً بعد از آن بر پهلوی راست خود دراز می‌کشیده است؛ همچنانکه تردیدی نیست آن حضرت پیش یا پس از نمازهای دیگر نیز نوافلی به جای می‌آورده است، ولی درباره‌ی تعداد رکعات آن‌ها میان روایات اختلاف وجود دارد و این احتمالاً از آنجا برخاسته که رویه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آن‌ها بر خلاف نافله‌ی شب و صبح، رویه‌ی ثابتی نبوده؛ خصوصاً با توجه به آنکه این نوافل -بر خلاف نافله‌ی شب و صبح- در ساعات اشتغال و

۱. الأحزاب / ۲۱

۲. گفتار ۱۴۰، فقره‌ی ۱

۳. گفتار ۱۴۰، فقره‌ی ۲

۴. درباره‌ی آن، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۸۱.

معاشرت آن حضرت با مردم انجام می‌شده و تبعاً در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بسته به حالات آن حضرت کم یا زیاد می‌شده است. با این حال، از روایات اهل بیت به دست می‌آید که آن حضرت معمولاً دو برابر رکعات فریضه، نافله می‌گزارده است: ۸ رکعت قبل از نماز ظهر و ۸ رکعت بعد از آن - گاه ۶ رکعت بعد از آن و ۲ رکعت قبل از نماز عصر و گاه ۴ رکعت بعد از آن و ۴ رکعت قبل از نماز عصر و گاه ۲ رکعت بعد از آن و ۶ رکعت قبل از نماز عصر - و ۴ رکعت بعد از نماز مغرب و ۲ رکعت بعد از نماز عشاء - غالباً به صورت نشسته تا مانند ۱ رکعت محسوب شود - و ۱۱ رکعت نماز شب قبل از طلوع فجر و ۲ رکعت قبل از نماز صبح که مجموعاً ۳۴ رکعت می‌شود؛ هر چند گاهی نیز به ۲۷ رکعت بسنده می‌فرموده؛ به این ترتیب که ۴ رکعت از نافله عصر و ۲ رکعت از نافله مغرب می‌گاسته و نافله عصر را ترک می‌کرده است.^۲ همچنین، از روایات صحابه به دست می‌آید که آن حضرت به گزاردن ۱۲ رکعت نافله در شبانه‌روز - افزون بر نافله شب - سفارش می‌فرموده است.^۳ و آن‌ها بنا بر روایت دو تن از همسران آن حضرت یعنی ام حبیبه و عائشه و روایت برخی دیگر، ۴ رکعت قبل از نماز ظهر، ۲ رکعت بعد از آن، ۲ رکعت قبل از نماز عصر یا بعد از نماز عشاء، ۲ رکعت بعد از نماز مغرب و ۲ رکعت قبل از نماز صبح هستند^۴، هر چند البانی روایت مشتمل بر ۲ رکعت قبل از نماز عصر را صحیح‌تر از روایت مشتمل بر ۲ رکعت بعد از نماز عشاء دانسته^۵ و حاکم نیشابوری نیز آن را صحیح بنا بر شرط مسلم شمرده و گفته است: «شَوَاهِدُهَا كُلُّهَا صَحِيحَةٌ»؛ «شواهد آن همگی صحیح هستند» و روایاتی از اهل بیت که ترک نافله عصر را جایز دانسته‌اند نیز مؤید آن محسوب می‌شوند^۶، بلکه ابن عبد البر^۷ در الاستذکار^۸ آن را روایت علی بن ابی طالب از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و در التمهید^۹ گفته است: «هُوَ مَحْفُوظٌ مِنْ حَدِيثِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَغَيْرِهِ»؛ «آن محفوظ از حدیث علی بن ابی طالب و دیگران است».

از اینجا معلوم می‌شود که حدّ اقلّ نوافل شبانه‌روز در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۳ رکعت و حدّ اکثر آن‌ها ۳۴ رکعت است و این نظر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

۱. بنگرید به: الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۴۴۳؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۲۰۰؛ الاستبصار للطوسی، ج ۱، ص ۲۱۸.
۲. بنگرید به: من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۲۲۷؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۶ و ۷.
۳. بنگرید به: مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۲۲ و ۲۳۰؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۳، ص ۷۵؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۴۸ و ج ۲، ص ۴۹۸ و ج ۶، ص ۱۰۹ و ۳۲۷؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۷۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۶۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۸۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۲، ص ۴۷۲.
۴. بنگرید به: مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مسند إسحاق بن راهویه، ج ۴، ص ۲۳۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۶۱؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۵۹؛ سنن النسائی، ج ۳، ص ۲۶۰؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۲، ص ۴۷۳.
۵. مشکاة المصابیح للتبریزی، ج ۱، ص ۳۶۵ هامش.
۶. المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱، ص ۳۱۲.
۷. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۲۲۷؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۷.
۸. الاستذکار لابن عبد البر، ج ۲، ص ۳۲۷.
۹. التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید لابن عبد البر، ج ۱۴، ص ۱۸۶.



«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ نَوَافِلِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَقَالَ: ثَمَانٌ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَثَمَانٌ بَعْدَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعٌ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَرَكَعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَثَمَانٌ صَلَاةُ اللَّيْلِ وَثَلَاثُ صَلَاةِ الْوُثْرِ وَرَكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، قُلْتُ: إِنِّي رُبَّمَا أَشْتَغِلُ فَلَا أُطِيقُ ذَلِكَ، فَقَالَ: مَهْمَا تَرَكْتَ مِنْهَا فَلَا تَتْرُكْ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَهُ وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْعَصْرِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَصَلَاةَ اللَّيْلِ وَرَكَعَتَيِ الْفَجْرِ وَلَيْسَ عَلَيْكَ جُنَاحٌ أَنْ تَقْدَّمَ بَعْضُ نَوَافِلِ الظُّهْرِ فَتُصَلِّيَهَا قَبْلَ الزَّوَالِ فَإِنِّي رُبَّمَا أَفْعَلُ ذَلِكَ، قُلْتُ: كَيْفَ تُقَدِّمُهَا عَلَى الْوَقْتِ؟ قَالَ: لَا أَرَى بِذَلِكَ بَأْسًا، أَمَا قَالَ اللَّهُ: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾^١؟^٢» (از منصور درباره‌ی نوافل شب و روز پرسیدم، پس فرمود: هشت رکعت بعد از زوال آفتاب و هشت رکعت بعد از نماز ظهر و چهار رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت بعد از نماز عشاء و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت نماز وتر و دو رکعت قبل از نماز صبح، گفتم: من گاهی مشغول می‌شوم و توان آن را ندارم، پس فرمود: هر چه از آن را ترک کردی، پس چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت بعد از آن و دو رکعت قبل از نماز عصر و دو رکعت بعد از نماز مغرب و نماز شب و دو رکعت (نافله‌ی) صبح را ترک نکن و بر تو گناهی نیست که برخی از نوافل ظهر را پیش بیندازی، پس پیش از زوال به جای آوری؛ چراکه من گاهی این کار را انجام می‌دهم، گفتم: چطور آن را بر وقت پیش می‌اندازی؟! فرمود: اشکالی در آن نمی‌بینم، آیا خداوند نفرموده است: <در خیرات پیشی بگیرید>؟!».

اما نماز معروف به «غَفِيلَة» دو رکعتی است که اهل تشیع میان نماز مغرب و عشاء می‌گزارند؛ به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد می‌خوانند: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^١ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ^٢ و در رکعت دوم بعد از حمد می‌خوانند: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^٣ و سپس دست به قنوت بر می‌دارند و می‌گویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا، اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي، تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي» و این نمازی است که ابو جعفر طوسی در مصباح المتهجد^٤ آن را به صورت مرسل از هشام بن سالم از امام جعفر بن محمد صادق روایت کرده و سید بن طاووس در فلاح السائل^٥ سند آن را آورده

١. البقرة / ١٤٨

٢. گفتار ١٤٠، فقره ٣

٣. الأنبياء / ٨٧ و ٨٨

٤. الأنعام / ٥٩

٥. مصباح المتهجد للطوسي، ص ١٠٦

٦. فلاح السائل للسيد بن طاووس، ص ٢٤٥

و در آن مردی به نام ابو جعفر حسنی محمد بن حسن اشتر است که مجهول است و ظاهراً روایت دیگری از او وجود ندارد و این به معنای آن است که این نماز با این کیفیت ثابت نیست. آری، روایاتی در منابع شیعه^۱ و اهل سنت^۲ در دست است که ساعت میان نماز مغرب و عشاء را «ساعت غفلت» دانسته و به گزاردن دو رکعت نماز در آن سفارش کرده و پیداست که نماز «عُقَيْلَة» با نظر به این روایات، پیشنهاد و نامگذاری شده است؛ همچنانکه در برخی روایات، افزون بر دو یا چهار رکعت نافله بعد از نماز مغرب، به گزاردن دو یا چهار رکعت نافله قبل از نماز عشاء سفارش شده است^۳ و این نیز می‌تواند همسو با روایات مذکور باشد. با این وصف، دو یا چهار رکعت نماز میان مغرب و عشاء «نماز عُقْلِيَه» به معنای نماز در ساعت غفلت محسوب می‌شود و مستحب است، ولی کیفیت مخصوصی برای آن ثابت نیست.



نویسنده: **عبدالله خراسانی** تاریخ: ۱۴۰۱/۱۱/۷

پرسش فرعی ۱

خواهشمندم در صورت صلاحدید، به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱. آیا گرفتن وضو برای به جای آوردن نوافل واجب است؟
 ۲. آیا می‌توان بدون داشتن عذری، نوافل را در حالت نشسته یا خوابیده به جای آورد؟
 ۳. آیا می‌توان نوافل را در حال حرکت به جای آورد؟ در این صورت کیفیت ادای رکوع و سجود چگونه خواهد بود؟
 ۴. آیا در زمان خواندن نوافل می‌بایست روی به سمت قبله داشت؟
 ۵. کدام بخش‌ها و اذکار نماز، در خواندن نوافل الزامی است؟
- برای شما و همه‌ی مؤمنان دلسوز و زحمت‌کش، آرزوی سلامتی دارم و خواهشمندم برایمان دعا فرمایید تا خداوند گناهان ما را ببخشد و شیرینی عبادتش را نصیب ما گرداند و ما را از بسیار یاد کنندگان قرار دهد.

۱. الأملی لابن بابویه، ص ۶۴۸؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۳۴۳؛ معانی الأخبار لابن بابویه، ص ۲۶۵؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۵۶۵؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۲۴۳
 ۲. مصنف عبد الرزاق، ج ۳، ص ۴۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۱۰۲؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۹، ص ۲۸۸؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهيثمي، ج ۲، ص ۲۳۰
 ۳. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۴۴۴؛ دعائم الإسلام لابن حيّون، ج ۱، ص ۲۰۸؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۸؛ نصب الراية للزيلعي، ج ۲، ص ۱۵۳؛ الدراية في تخريج احاديث الهداية لابن حجر، ج ۱، ص ۱۹۸



«از ابو الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام درباره‌ی کسی پرسیدم که نافله را در سفر یا حضر بدون عِلّت، نشسته می‌گزارد، پس فرمود: اشکالی ندارد»، ولی در این صورت بهتر است که هر دو رکعت نشسته را معادل یک رکعت ایستاده حساب کند؛ چنانکه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «صَلَاةُ الْقَاعِدِ عَلَى النُّصْفِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ»^۱؛ «نماز نشسته معادل نیمی از نماز ایستاده است» و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا صَلَّى الرَّجُلُ جَالِسًا وَهُوَ يَسْتَطِيعُ الْقِيَامَ فَلْيُضَعِفْ»^۲؛ «هرگاه کسی نشسته نماز گزارد در حالی که می‌توانست ایستاده بگزارد، دو برابر بگزارد» و از علی بن جعفر روایت شده است که گفت: «سَأَلْتُهُ -يَعْنِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ- عَنْ رَجُلٍ صَلَّى نَافِلَةً وَهُوَ جَالِسٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، كَيْفَ تُحَسَّبُ صَلَاتُهُ؟ قَالَ: رَكْعَتَيْنِ بِرَكْعَةٍ»^۳؛ «از آن حضرت -یعنی موسی بن جعفر- درباره‌ی کسی پرسیدم که بدون عِلّت نافله را نشسته به جای می‌آورد، نمازش چگونه حساب می‌شود؟ فرمود: دو رکعت برابر یک رکعت»؛ مگر اینکه مسن یا بیمار باشد؛ چنانکه روایت شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ حِينَ دَخَلَ فِي السَّنِّ وَثَقُلَ مِنَ اللَّحْمِ، كَانَ أَكْثَرَ مَا يُصَلِّي وَهُوَ قَاعِدٌ»^۴؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که سنش بالا رفت و وزنش زیاد شد، بیشتر نمازهایی که می‌گزارد نشسته بود» و از سدید صیرفی روایت شده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُصَلِّي النَّوَافِلَ وَأَنْتَ قَاعِدٌ؟ فَقَالَ: مَا أَصْلِيهَا إِلَّا وَأَنَا قَاعِدٌ مُنْذُ حَمَلْتُ هَذَا اللَّحْمَ وَبَلَغْتُ هَذَا السَّنَّ»^۵؛ «به امام ابو جعفر باقر علیه السلام گفتم: آیا تو نوافل را نشسته می‌گزاری؟ پس فرمود: از زمانی که این گوشت را آورده‌ام و به این سن رسیده‌ام، جز نشسته نمی‌گزارم»، یا اینکه به سبب اشتغال به تبلیغ دین خسته و گرفتار باشد؛ چنانکه از عبد الله بن عمرو روایت شده است که گفت: «أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ وَهُوَ يُصَلِّي جَالِسًا، فَقُلْتُ حَدِّثْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتُكُّ صَلَاةَ الرَّجُلِ قَاعِدًا عَلَى النُّصْفِ مِنْ صَلَاتِهِ قَائِمًا، قَالَ: أَجَلٌ، وَلَكِنِّي لَسْتُ كَأَحَدٍ مِنْكُمْ»^۶؛ «به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدم، در حالی که نشسته نماز می‌گزارد، پس گفتم: ای رسول خدا، شنیده‌ام که فرموده‌ای: نماز انسان به صورت نشسته، معادل نیمی از نماز او به صورت ایستاده است،

۱. موطأ مالك (رواية يحيى)، ج ۱، ص ۱۳۶؛ الجامع لابن وهب، ص ۲۵۲؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۴، ص ۴۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۷۱؛ سيرة ابن هشام، ج ۲، ص ۱۷۰؛ مسند ابن الجعد، ص ۵۷؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۴۰۳؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۳، ص ۶۱۶؛ مسند أحمد، ج ۱۱، ص ۴۰۷؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۴۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۸۸؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۲۵۰؛ سنن الترمذي، ج ۲، ص ۲۰۷؛ سنن النسائي، ج ۳، ص ۲۲۳

۲. تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۱۶۶

۳. مسائل علي بن جعفر، ص ۲۴۹

۴. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۶۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۴۰۰؛ مسند أحمد، ج ۴۱، ص ۲۴۱؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۴

۵. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۴۱۰؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۱۷۰

۶. من حديث سفيان الثوري، ص ۸۸؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۷۲؛ مسند أحمد، ج ۱۱، ص ۴۹۷؛ مسند الدارمي، ج ۲، ص ۸۷۰؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۵؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۲۵۰؛ مسند البزار، ج ۶، ص ۳۵۲؛ سنن النسائي، ج ۳، ص ۲۲۳؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۲۳۶

فرمود: آری، ولی من مانند یکی از شما نیستم» و از ابو بصیر روایت شده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نَتَحَدَّثُ وَنَقُولُ: مَنْ صَلَّى وَهُوَ جَالِسٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، كَانَتْ صَلَاتُهُ رَكَعَتَيْنِ بِرَكَعَةٍ، وَسَجْدَتَيْنِ بِسَجْدَةٍ، فَقَالَ: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، هِيَ تَامَّةٌ لَكُمْ»^۱؛ «به امام ابو جعفر باقر علیه السلام گفتم: ما با هم صحبت می کنیم و می گوییم: هر کس بدون علت نشسته نماز بگزارد، هر دو رکعتش معادل یک رکعت و هر دو سجده اش معادل یک سجده است، پس فرمود: این طور نیست، آن برای شما کامل محسوب می شود». همچنین، اگر کسی در حالت نشسته قرائت کند، ولی برای رکوع برخیزد، ثواب نماز ایستاده را می برد؛ چنانکه از عایشه روایت شده است که گفت: «لَمَّا ثَقُلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ وَكَبِرَ كَانَ يُصَلِّي قَاعِدًا، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ السُّورَةَ قَامَ، فَقَرَأَ، ثُمَّ رَكَعَ»^۲؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که سئش بالاتر رفت و وزنش زیاد شد، نشسته نماز می گزارد، پس چون می خواست سوره را تمام کند، برمی خاست و باقی مانده را قرائت می کرد و سپس به رکوع می رفت» و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُدْرِكَ صَلَاةَ الْقَائِمِ، فَاقْرَأْ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَإِذَا بَقِيَ مِنَ السُّورَةِ آيَاتَانِ، فَقُمْ وَأَتِمَّ مَا بَقِيَ، وَارْكَعْ وَاسْجُدْ، فَذَلِكَ صَلَاةُ الْقَائِمِ»^۳؛ «هرگاه خواستی به ثواب نماز ایستاده برسی، در حالت نشسته قرائت کن، پس چون از سوره دو آیه باقی ماند، برخیز و آیات باقی مانده را قرائت کن و سپس به رکوع برو و سجده را به جای آور، پس این نماز ایستاده خواهد بود».

۳. گزاردن نافله در وسیله نقلیه برای مسافر و کسی که عجله دارد، جایز است؛ چنانکه روایت شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ التَّطَوُّعَ فِي السَّفَرِ»^۴؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سفر، نافله را بر پشت مرکب خود به جای می آورد» و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِالطَّهْوَرِ فِي السَّفَرِ وَهُوَ فِي مَحْمِلِهِ، فَيُؤْتِي بِالتُّورِ فِيهِ الْمَاءُ، فَيَتَوَضَّأُ، ثُمَّ يُصَلِّي الثَّمَانِي وَالْوَتَرَ فِي مَحْمِلِهِ، فَإِذَا نَزَلَ نَزَلَ صَلَّي الرَّكَعَتَيْنِ وَالصُّبْحَ»^۵؛ «پدرم علیه السلام در سفر در حالی که در محملش بود آب می طلبید، پس برایش ظرف آبی می آوردند، پس وضو می گرفت و هشت رکعت نماز شب و نیز نماز وتر را در محملش می گزارد، پس چون پایین می آمد، دو رکعت نافله ی صبح و نماز صبح را به جای می آورد».

۱. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۴۱۰؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۳۶۵؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۱۷۰.
۲. موطأ مالک (روایة یحیی)، ج ۱، ص ۱۳۷؛ حدیث علی بن حجر عن إسماعیل بن جعفر، ص ۲۹۲؛ السنن المأثورة للشافعی، ص ۱۲۸؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۶۵؛ مسند إسحاق بن راهویه، ج ۳، ص ۹۹۶؛ مسند أحمد، ج ۴۳، ص ۱۳۹؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۸؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۳؛ سنن النسائي، ج ۳، ص ۲۲۰؛ المعجم الأوسط للطبرانی، ج ۱، ص ۹۷.

۳. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۳۶۴؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۲، ص ۲۹۵.
۴. موطأ مالک (روایة یحیی)، ج ۱، ص ۱۵۱؛ حدیث علی بن حجر عن إسماعیل بن جعفر، ص ۱۴۴؛ مسند الشافعی، ص ۲۳؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۳، ص ۴۰۴؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۷۵؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۲۳۶؛ مسند أحمد، ج ۹، ص ۲۳۹ و ۳۰۰؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۶ و ۴۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۰؛ مسند البزار، ج ۹، ص ۲۶۷؛ سنن النسائي، ج ۱، ص ۲۴۴.

۵. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۲۳۲.

و از عبد الرحمن بن حجاج روایت شده است که گفت: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ فِي الْحَضَرِ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ إِذَا حَرَجْتُ قَرِيبًا مِنْ أُبْيَاتِ الْكُوفَةِ، أَوْ كُنْتُ مُسْتَعْجِلًا بِالْكُوفَةِ، فَقَالَ: إِنْ كُنْتُ مُسْتَعْجِلًا لَا تَقْدِرُ عَلَى النَّزُولِ، وَتَخَوَّفْتَ فَوْتَ ذَلِكَ إِنْ تَرَكْتَهُ وَأَنْتَ رَاكِبٌ، فَنَعَمْ، وَإِلَّا فَإِنَّ صَلَاتَكَ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ»^۱؛ «از ابو الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام درباره‌ی گزاردن نافله در حضر بر پشت چهارپا پرسیدم هرگاه تا جایی نزدیک شهر کوفه بیرون می‌روم یا در کوفه هستم و عجله دارم، پس فرمود: هرگاه عجله داری و نمی‌توانی برای نماز پایین بیایی و می‌ترسی که اگر سواره به جای نیآوری فوت شود، آری، وگرنه نمازت بر روی زمین نزد من بهتر است».

اما کیفیت رکوع و سجود در حالت سواره، بستگی به توانایی شخص دارد؛ به این ترتیب که اگر می‌تواند، باید آن دو را به طور کامل به جای آورد و اگر نمی‌تواند، باید برای رکوع خم شود و برای سجود بیشتر خم شود؛ چنانکه روایت شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ تَطَوُّعًا، يَوْمِيَّ إِيْمَاءً، وَيَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ»^۲؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز نافله را سوار بر مرکب خود به جای می‌آورد، به این صورت که (برای رکوع و سجود) اشاره می‌کرد (یعنی خم می‌شد) و برای سجود پایین‌تر از رکوع می‌رفت» و از یعقوب بن شعیب روایت شده است که گفت: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ، قَالَ: يَوْمِيَّ إِيْمَاءً، يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ، قُلْتُ: يُصَلِّي وَهُوَ يَمْشِي؟ قَالَ: نَعَمْ، يَوْمِيَّ إِيْمَاءً، وَلِيَجْعَلَ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ»^۳؛ «از ابو عبد الله (صادق) علیه السلام درباره‌ی کسی پرسیدم که سوار بر مرکب خود نماز می‌گزارد، پس فرمود: اشاره می‌کند (یعنی خم می‌شود) و برای سجود پایین‌تر از رکوع می‌رود، گفتیم: در حالی که پیاده راه می‌رود نیز می‌تواند نماز بگزارد؟ فرمود: آری، اشاره می‌کند (یعنی خم می‌شود) و باید برای سجود پایین‌تر از رکوع برود».

۴. ظاهر از روایات این است که روی داشتن به قبله بر کسی که سواره نافله می‌گزارد، واجب نیست و این با کتاب خداوند منافات ندارد؛ چراکه روی داشتن به قبله برای او، عسر و حرج دارد و خداوند در کتاب خود فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۴؛ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۵؛ «و بر شما در دین تنگنایی قرار نداده است». به علاوه، روایت شده است: «إِنَّمَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾، أَنْ تُصَلِّيَ أَيْنَمَا تَوَجَّهْتَ بِكَ رَاحِلَتِكَ فِي السَّفَرِ،

۱. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۲۳۲

۲. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۷۵؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۲۳۶؛ مسند أحمد، ج ۱۸، ص ۲۳۲؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۹؛

سنن الترمذي، ج ۲، ص ۱۸۲؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۲، ص ۷۱

۳. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۴۴۰؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۲۲۹

۴. البقرة / ۱۸۵

۵. الحج / ۷۸

۶. البقرة / ۱۱۵

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ إِذَا رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ تَطَوُّعًا، يَوْمِي بِرَأْسِهِ نَحْوُ الْمَدِينَةِ^۱؛ «آیهی >به هر سویی که روی آورید، آنجا سوی خداوند است< درباره‌ی آن نازل شده است که در سفر به هر سویی که مرکب می‌رود نماز بگزازی؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بازگشت از مکه، سوار بر مرکب خود نافله می‌گزارد، در حالی که روی به سوی مدینه داشت» و از امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ فِي التَّطَوُّعِ خَاصَّةً: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۲، وَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ إِيْمَاءً عَلَى رَاحِلَتِهِ أَيْنَمَا تَوَجَّهَتْ بِهِ حَيْثُ خَرَجَ إِلَى حَبْرٍ، وَحِينَ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ، وَجَعَلَ الْكَعْبَةَ خَلْفَ ظَهْرِهِ^۳؛ «خداوند این آیه را درباره‌ی نافله نازل کرده است: >مشرق و مغرب برای خداوند است، پس به هر سویی که روی آورید، آنجا سوی خداوند است، هرآینه خداوند گشایشگری داناست< و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر مرکب خود نماز گزارد با اشاره به هر سویی که مرکبش می‌رفت، در راه خیبر و در راه بازگشت از مکه و کعبه را پشت سرش قرار داد». با این حال، مستحب است که تکبیرة الاحرام روی به قبله گفته شود؛ چنانکه از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ، فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ، ثُمَّ كَبِّرْ وَصَلَّ حَيْثُ ذَهَبَ بِكَ بَعِيرُكَ^۴؛ «هرگاه روی به قبله نداشتی، روی به قبله کن و تکبیر بگویی، سپس به هر طرف که شترت می‌رود نماز گزار»، هر چند این کار واجب نیست؛ چنانکه از حلبی روایت شده است: «أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ عَلَى الْبَعِيرِ وَالِدَّائَةِ، فَقَالَ: نَعَمْ، حَيْثُمَا كُنْتَ مُتَوَجِّهًا، قَالَ: قُلْتُ: أَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ إِذَا أَرَدْتُ التَّكْبِيرَ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ تُكَبِّرُ حَيْثُمَا كُنْتَ مُتَوَجِّهًا، وَكَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ^۵؛ «او از ابو عبد الله (صادق) علیه السلام درباره‌ی نماز نافله بر پشت شتر و چهارپا پرسید، پس فرمود: آری، به هر سویی که رهسپار هستی، گوید: گفتیم: آیا هنگامی که می‌خواهم تکبیر بگویم روی به قبله کنم؟ فرمود: نه، به هر سویی که رهسپار هستی تکبیر بگو، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همین کار را می‌کرد» و از ابراهیم کرخی روایت شده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ فِي الْمَحْمَلِ، فَقَالَ: مَا هَذَا الصِّيقُ؟! أَمَا لَكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ أُسُوءَ؟!^۶؛ «به ابو عبد الله (صادق) علیه السلام گفتیم: من می‌توانم در محمل رویم را به سوی قبله نگاه دارم، پس فرمود: این سختگیری برای چیست؟! آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تو الگو نیست؟!».

۱. مسند أحمد، ج ۸، ص ۳۳۷؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۱۰، ص ۱۴؛ مسند أبي يعلى، ج ۱۰، ص ۱۷؛ تفسير الطبري، ج ۲، ص ۵۳۰؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۲۵۳؛ أحكام القرآن للطحاوي، ج ۱، ص ۱۶۱؛ تفسير ابن أبي حاتم، ج ۱، ص ۲۱۲؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۶؛ أسباب النزول للواحدي، ص ۳۸.

۲. البقرة / ۱۱۵

۳. تفسير العياشي، ج ۱، ص ۵۶

۴. تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۳، ص ۲۳۳

۵. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۴۴۰

۶. من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۱، ص ۴۴۶؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۳، ص ۲۲۹

۵. حدّاقْل نافله، تکبیرة الإحرام، قرائت سورہی حمد، رکوع با گفتن دست کم یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» یا «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، برخاستن از رکوع و گفتن «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، دو سجده با گفتن دست کم یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» یا «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» در هر یک، سپس برخاستن برای تکرار قرائت و اعمال پس از آن و سپس گفتن شهادتین و صلوات و سلام بر پیامبر است. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی حدّاقْل نماز، به پرسش و پاسخ ۲۴۷ مراجعه کنید.

خداوند همه‌ی کسانی که برای او در تکوین، تشریع و تحکیم شریکی نمی‌گیرند را ببخشد و توفیق عبادت بهتر و بیشتر عطا فرماید، تا در خشنودی او رشد کنند و برای همدلی، همفکری، همزبانی، همکاری و همنشینی با خلیفه‌اش در زمین آماده شوند؛ چراکه بر هر کاری توانا و بسیار مهربان است.



بایکاه اطلاع بر سبیل دفتر منصوبان هاشمی خراسانی
مجلس شورای اسلامی ایران



www.alkhorasani.com

بایکاه اطلاع بر سبیل دفتر منصوبان هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.